

فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامه تاریخ اسلام  
سال یازدهم، شماره چهل‌ودوم، تابستان ۱۴۰۰  
مقاله پژوهشی، صفحات ۶۶-۴۵

## نقش زنان کاتب بغداد در توسعه علوم و فرهنگ اسلامی در عصر چهارم خلافت عباسی (۶۵۶-۴۴۸)

علی اکبر عباسی<sup>۱</sup>  
عباس فروغ آئین<sup>۲</sup>  
اصغر فروغی ابری<sup>۳</sup>  
مجتبی خلیفه<sup>۴</sup>

### چکیده

زنان کاتب در عصر عباسی در صحنه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مشارکت فعال داشتند. پژوهش حاضر با واکاوی زنان کاتب عراق و به ویژه بغداد در عصر چهارم خلافت عباسی (۴۴۸-۶۵۶)، به دنبال پاسخ به این سؤال است که آنها چه نقشی در تحولات فرهنگی و توسعه علوم و فرهنگ اسلامی داشتند؟ این پژوهش بر اساس روش تحقیق تاریخی مبتنی بر روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که زنان کاتب و خوشنویس در این دوره از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند. آنها در گسترش علوم و فرهنگ اسلامی به ویژه علوم دینی و نقلی مانند حدیث، وعظ، خطابه و فقه نقش بیشتری داشتند و بسیاری از علما و مشاهیر در محضر درس آنان حضور یافتند. زنان کاتب اجازه نقل حدیث را برای شاگردان صادر می‌کردند، به طوری که تعدادی از شاگردانشان بعدها در زمره مدرسان نظامیه بغداد درآمدند. برخی از زنان در هنر خوشنویسی استاد بودند و شاگردان مشهوری در این زمینه تربیت کردند. آنها به سبب خط زیبایشان، آمالی دانشمندان مختلف را برای دیگران می‌نوشتند و چه بسا از این راه امرار معاش می‌کردند. زنان کاتب و خوشنویس به دربار خلافت عباسی نیز نفوذ داشتند و نامه‌ها و توقیعات آنها را می‌نوشتند. آنها خوشنویسی را به درباریان آموزش می‌دادند. تعدادی از زنان کاتب، دیوان شاعران بزرگ را می‌نوشتند و یا خود شعر می‌سرودند و از این جهت به گسترش شعر و ادب عربی کمک می‌کردند. اهمیت و تقدس قرآن کریم، زنان کاتب را به استنساخ، تذهیب و تفسیر قرآن در سطح وسیع تشویق کرد. برخی از زنان کاتب شیعه نیز در این دوره در نشر و ترویج علوم شیعی نقش مؤثری داشتند.

**کلیدواژه‌ها:** بغداد، خلافت عباسی، خوشنویسی، زنان کاتب، علوم اسلامی.

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول). aa.abbasi@ltr.ui.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان. abbas\_foroughi@yahoo.com

۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان. a.foroughi@ltr.ui.ac.ir

۴. استادیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند. mkhalifeh@birjand.ac.ir

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۵/۱۲ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۸/۰۹

# The role of Baghdad scribe women in developing Islamic sciences and culture in the fourth era of the Abbasid Caliphate (448-656 AH)

Ali Akbar Abbasi<sup>1</sup>  
Abbas Forough Ayin<sup>2</sup>  
Asghar Foroughi Abri<sup>3</sup>  
Mojtaba Khalifeh<sup>4</sup>

## Abstract

Scribe women in the Abbasid era were active in various political, social, and cultural fields. Analyzing Iraq scribe women, specifically Baghdad, in the fourth era of the Abbasid caliphate (448-656 AH), the present study seeks to answer the question of what was their roles in cultural changes and the development of Islamic sciences and culture. This study has used a historical research method based on the descriptive-analytical method. Findings indicate that scribe and calligrapher women had a special position in this period. They played a greater role in the development of Islamic sciences and culture, especially religious and narrative science such as ḥadīth, preaching, sermon, and jurisprudence (Fiqh) and many scholars and celebrities attended their classes. Scribe women let students narrate ḥadīth so that some of them became part of the Baghdad military instructors later. Some women were experts in calligraphy and trained famous students in this field. Because of their beautiful handwriting, they wrote Amali of various scholars for others and earned a living in this way. Also, scribe and calligrapher women influenced the court of the Abbasid Caliphate and wrote letters and Tawqi‘ of them. They taught calligraphy to the courts. Some of the scribe women wrote Diwan of great poets or wrote poetry themselves and in this way helped the development of Arabic poetry and literature. The importance and sanctity of the Holy Qur'an encouraged scribe women to transcribe, illuminate and interpret the Qur'an on a large scale. Some Shī‘a scribe women also played an effective role in the publication and promotion of Shiite sciences during this period.

**Keywords:** Baghdad, The Abbasid Caliphate, Calligraphy, Scribe women, Islamic sciences.

1. Associate Professor, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding author). aa.abbasi@ltr.ui.ac.ir
2. PhD student of Islamic History, University of Isfahan, Isfahan, Iran. abbas\_foroughi@yahoo.com
3. Associate Professor, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, Iran. a.foroughi@ltr.ui.ac.ir
4. Assistant professor, Department of History, University of Birjand, Birjand, Iran. mkhalifeh@birjand.ac.ir

## درآمد

در جهان اسلام نه تنها مردان بلکه زنان مسلمان نیز در رشته‌های مختلف علوم اسلامی پا به پای مردان حرکت کردند. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که زنان هرگاه فرصت یافته‌اند همراه با مردان در صحنه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مشارکت کرده و حتی در زمینه‌هایی مانند حدیث، روایت، وعظ و خطابه حضور بیشتری داشته‌اند. آنان از جمله در کتابت و خوشنویسی نیز در دوره چهارم عباسی خوش درخشیدند. زنان عصر عباسی جمعیت قابل توجه‌ای از جامعه بودند که در فعالیت‌های فرهنگی، حضورشان پررنگ است. در این دوره بیشتر علوم شرعی و نقلی مانند حدیث، روایت، وعظ، خطابه و قرائت رواج داشت؛ به همین سبب زنان کاتب بیشتر محدث و راوی بودند و مجالس درس و سماع داشتند و محدثان و فقیهان مشهوری را تربیت کردند. برخی از زنان کاتب جزو مشایخ حدیث بودند و اجازه نقل حدیث را برای شاگردان خود صادر می‌کردند. مستندنویسی و نوشتن آمالی یکی دیگر از دستاوردهای فرهنگی زنان کاتب در آن زمان بود. تعدادی از زنان در هنر خوشنویسی سرآمد بودند به گونه‌ای که دست خط آنها در بین خلفا، وزراء و حتی مردم عادی ارزشمند بود. زنان کاتب و خوشنویس با توجه به همین هنر زیبایشان، به دربار خلافت راه یافتند تا نامه‌ها، جواب‌ها و توقیعات خلفا و وزرا را بنویسند. آنها برای این کار هدایای خوبی نیز دریافت می‌کردند. دوتن از آن زنان خوشنویس از جمله فاطمه بنت اقرع و شهیده، ایرانی نژاد بودند. این دو شاگردانی نیز داشتند. گاهی زنان کاتب، دیوان شاعران بزرگ را می‌نوشتند و یا این که شعرهای خود را می‌نگاشتند. زنان خوشنویس به قرآن اهمیت ویژه‌ای می‌دادند و به حفظ، استنساخ و کتابت قرآن، تذهیب و تفسیر آن می‌پرداختند و در این زمینه کمک شایانی به نشر و گسترش علوم قرآنی کردند. فاطمه و شریفه دختران سیدین طاوس از زنان دارای اجازه روایت و حدیث شیعه بودند که نقش بسیاری در گسترش علوم اسلامی شیعه به ویژه قرآن، حدیث، فقه و تفسیر داشتند. زنان کاتب از نظر سبک نگارش به طور کلی روش ابن بواب، فاطمه بنت اقرع یا یاقوت مستعصمی را پیروی می‌کردند. پژوهش حاضر با تکیه بر منابع مکتوب و دست اول مانند تواریخ عمومی و

محلی، وفیات، تراجم، فرهنگ نامه‌ها، معاجم، کتاب‌های اعلام، طبقات، انساب و مانند اینها جایگاه و نقش زنان را به عنوان کاتب و خوشنویس در توسعه علوم و فرهنگ اسلامی در دوره چهارم عباسی بررسی کرده است.

### پیشینه پژوهش

تا کنون پژوهش مستقلی در این موضوع انجام نشده است، اما پژوهش‌هایی به دو صورت مقاله و کتاب نزدیک به این موضوع نوشته شده است. از جمله محمدعباس ظیما (۱۹۸۶/۱۴۰۷) مقاله «نساء خطاطات» را نگاشته که ابتدا نام چند نفر از زنان خطاط اوایل اسلام و سپس مغرب و اندلس و چند نفر از خطاطان معاصر تا قرن بیستم را به طور خلاصه آورده است. او به سه نفر از زنان خطاط بغداد نیز اشاره مختصری دارد. تحفه ابراهیم آوا (۱۳۷۸ش) مقاله کوتاه با عنوان «نخستین زن خوشنویس مسلمان ایرانی» دارد که درباره یکی از زنان کاتب این دوره یعنی فاطمه بنت اقرع است. فاطمه گنجی (۱۳۹۹ش) در جلد ۲۸ *دانشنامه جهان اسلام* ذیل مدخل «شهادت ۲»، مقاله‌ای توصیفی و کوتاه درباره یکی دیگر از زنان کتاب این عصر با عنوان «شهده بنت ابی نصر» دارد. خیرالله سعید (۲۰۱۱) کتابی به نام *موسوعه الوراقه و السوراقین* دارد که شامل موضوعاتی مانند توسعه صنعت کتابت در بغداد، ادوات کتابت، ظهور شغل وراقی، تعریف وراقت، بازار وراقان، کتابخانه‌های شام، فارس، مصر و مانند اینهاست. او در بخش پنجم کتاب به وراقان قاضی، ادیب و وراقان زن پرداخته است و در آن میان نام سه نفر از زنان وراق و کاتب ابتدای عصر عباسی را آورده که در محدوده پژوهش حاضر قرار نمی‌گیرد.

### نشر احادیث و فقه

در دوره مورد پژوهش بیشتر علوم شرعی و نقلی مانند حدیث، وعظ، قرآن، فقه، شعر و ادب رواج داشت. در آن دوره، سلجوقیان با تأسیس مدارس و کتابخانه‌های بسیار، علوم دینی و نقلی را بر سایر علوم ترجیح می‌دادند و آن را تشویق می‌کردند. بیشترین کتاب‌ها در همین زمینه‌ها نوشته شد و کمترین آنها در زمینه علوم عقلی مانند ریاضیات، طب، نجوم و به خصوص فلسفه بود (حلمی، ۱۹۵-۲۴۵، ۲۱۵-۲۶۳).

بیشترین دانشمندان این عصر نیز در زمره قاریان، واعظان، محدثان و مفسران بودند. در واقع به نظر می‌رسد که همزمان با تضعیف علوم عقلی و توجه بیش از حد به علوم نقلی، زنان نیز بیشتر در این علوم تحصیل کردند.

به نظر می‌رسد یکی دیگر از عوامل توجه مردم به علوم دینی و نقلی در این دوره، مسئله کسب روزی و تأمین معاش بود، زیرا آنان می‌توانستند با فراگیری علوم قرآنی، فقهی و حدیثی به مقام قضاوت، وعظ، امامت، تدریس در مدارس و تقرب به حاکمان برسند و مورد احترام و تحسین مردم واقع شوند. در حالی که شاغلان به علوم فلسفی و عقلی در فقر و بدبختی به سر می‌بردند و علم و حکمتشان مایه بدبختی و مصیبت آنان بود (غنی، ۶۷۸). از سده پنج هجری به بعد دید مثبتی هم نسبت به علوم عقلی وجود نداشت و بیشتر مجالس وعظ و خطابه مورد توجه بود. چنان که مجالس وعظ و خطابه ابن جوزی موجب شهرت و نزدیکی او به خلفا و وزرای عباسی شد. خلیفه المستضی همواره حتی در هنگام بیماری در مجالس وعظ او شرکت می‌کرد (ابن رجب، ۴۰۷/۱). او به عنوان بزرگترین واعظ حنبلی در مجلسش همواره بین ده تا پنجاه هزار (ابن جوزی، ۲۳۶/۱۷، ۱۴۱/۱۸) و به روایتی صد هزار نفر حضور داشتند (ذهبی، العبر، ۱۱۹/۳؛ یافعی، ۳۷۰/۳).

شُهد الکاتبه یکی از زنان محدث و مقرب خلیفه مقتفی عباسی بود (یاقوت حموی، معجم الادباء، ۱۴۲۳/۳) و در کتابت برجسته و مورد توجه دربار به شمار می‌آمد. زنان کاتب در نقل و گسترش حدیث و روایت نقش به‌سزایی داشتند و در این زمینه دارای مجالس درس و سماع بودند. نکته قابل توجه و مهم، تأثیر و نفوذ این زنان بر دانشمندان مرد است به گونه‌ای که بسیاری از علما و مشاهیر در محضر درس آنان حضور یافته و بهره علمی برده و نقل قول کرده‌اند و اجازه نقل حدیث گرفته‌اند. یکی از مشهورترین و بهترین کاتبان و خوشنویسان آن دوره، ام الفضل فاطمه دختر حسن بن علی عطار معروف به بنت أقرع (متوفای ۴۸۰) بود. او یکی از شاگردان ابن بواب خطاط معروف بود و از نظر سبک مانند استادش می‌نوشت و مردم خط او را نیکو می‌دانستند. فاطمه غیر از کتابت، در حدیث و روایت نیز نزد علما و مشایخ شهرت داشت (تسوی، ۲۴۸۵/۴) و از



مشایخی مانند ابی عمر بن مهدی فارسی حدیث شنید و روایت کرد (ذهبی، العبر، ۳۴۲/۲؛ حنبلی، ۳۴۸/۵؛ یافعی، ۱۰۰/۳؛ ابن کثیر، ۱۳۴/۱۲). از فاطمه این حدیث را روایت کرده‌اند که پیامبر ﷺ فرمود: هر کس در کاری سوگند یاد کند و سپس بهتر از آن را ببیند، باید آن کار را که بهتر است، انجام دهد و برای سوگندش کفاره بدهد (یاقوت حموی، معجم الادباء، ۲۱۵۶/۵). فاطمه بنت أقرع یکی از زنان برجسته در زمینه کتابت و خوشنویسی و نیز علم حدیث در بغداد سده پنجم هجری بود.

از اقدامات علمی و فرهنگی زنان کاتب، تربیت شاگردان در زمینه حدیث و روایت بود. چنان که افراد بسیاری مانند ابوالقاسم مکی بن عبدالله حافظ از فاطمه بنت اقرع حدیث شنیدند و برخی مانند اسماعیل بن احمد بن عمر سمرقندی، عبدالوهاب بن مبارک بن احمد در بغداد و احمد بن محمد بن احمد بن حسن در اصفهان از او روایت کرده‌اند. ابن بطحی جزء اول/مالی محاملی را از ابن اقرع شنیده بود (ذهبی، تاریخ الاسلام، ۲۹۵/۳۲؛ یاقوت حموی، معجم الادباء، ۲۱۵۶/۵؛ ابن اثیر، الکامل، ۱۶۵/۱۰؛ کحاله، ۴۱/۴-۴۲). این نکته جایگاه آموزشی فاطمه را به‌ویژه در علم حدیث نشان می‌دهد.

شُهده بنت أحمد إبری یا شهده أم محمد بنت أبونصر (۴۸۲-۵۷۴) یکی دیگر از زنان خطاط و خوشنویس و متولد دینور ایران و متوفای بغداد است. پدر بزرگش تاجر سوزن بود و لقب الإبری به معنای سوزنی یا سوزن فروش یا خیاط به او داده شده‌است (سمعانی، ۹۶/۱؛ ابن خلکان، ۴۷۸/۲). پدرش از مشاهیر بغداد و به علم حدیث علاقه‌مند بود و حدیث را از چند استاد آموخته بود. دخترش نیز تحصیل حدیث را از پدرش و مشهورترین استادان و مشایخ بغداد از جمله ابوبکر شاشی، ابن سراج، طراد زینبی و مانند اینها فرا گرفت و در این زمینه مشهور شد (ابن جوزی، ۲۵۴/۱۸؛ ابن اثیر، الکامل، ۴۵۴/۱۱؛ ابن خلکان، ۴۷۷/۲؛ سیوطی، ۵۴). شهده دانش خود را محدود به خط و کتابت نکرد، بلکه حدیث، روایت و فقه را از پدرش و مشایخ بزرگ فراگرفت (عمادالدین کاتب، ۲۸۳/۳). او مشیخه‌ای داشت در ذکر نام کسانی که دیده بود (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۵۴۲/۲۰). منابع تاریخی او را یکی از محدثین بزرگ و از راویان صادق می‌دانند (ابن فوطی، ۲۶۱/۱؛ فواز عاملی، ۴۲۲) که به سبب استناد عالی در

حدیث با نام‌های مُسنده العراق یا مُنشدہ العراق مشهور است (ذهبی، *دول الاسلام*، ۸۱؛ یافعی، ۳۰۳/۳). او خانه بزرگ و مجلس درس سماع عالی داشت و کسی را که می‌خواست حدیث گوش دهد، طرد نمی‌کرد و با توجه به عمر طولانی‌اش، در مجالس او خردسالان به بزرگسالی می‌رسیدند. به نوشته ابن خلکان: «ألحقت فيه الاصاغر بالاکابر»، و از این بابت تأثیر زیادی بر مشایخ بعد از خود گذاشت (ابن خلکان، ۴۷۷/۲؛ و نیز ابن جوزی، ۱۰۳/۱۷؛ یاقوت حموی، *معجم الادبا*، ۱۴۲۳/۳-۱۴۲۲؛ ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ۱۴۶/۴۰-۱۴۷؛ ابن فرات، ۸۰/۴). شهرت شهده در کتابت و حدیث باعث شد که افراد زیادی از شهرهای مختلف اسلامی برای شاگردی نزد او به بغداد بیایند. او شاگردان زیادی داشت و غیر از منزل شخصی، در مسجد جامع بغداد نیز به تدریس و ذکر حدیث مشغول بود. در بغداد سده ششم هجری افراد مشهوری از او حدیث شنیدند و اجازه روایت گرفتند و بسیاری مانند ابن عساکر، ابن جوزی، أبوسعده سمعانی، ابومحمد بن قدامه، ابو محمد عبد الغنی، عبد القادر رهاوی، عبد العزیز بن أخضر، عماد إبراهیم بن عبد الواحد، علی بن هبه الله، حافظ ضیاءالدین مقدسی، مارستانه بغدادی، شرف الدین دمیاطی در محضر او تربیت شدند (سبکی، ۳۰۲/۸؛ ابن الدبیتی، ۲۸۶/۱؛ غسانی، ۲۸۱/۲؛ ابن شاکر، ۴۰۹/۳، ۴۲۷؛ یاقوت حموی، *معجم البلدان*، ۱۳۱/۳، ۱۲۶/۵؛ کحاله، ۳۰۹/۳-۳۱۲). صوفیان نیز از جلسات حدیث شهده استفاده می‌کردند (ابن الدبیتی، ۲۸۹/۲، ۱۸۷/۴). دانشمندی مانند ابن قیم جوزی بارها با عبارت «قالت استاذنا شهده»، از او در تألیفات خود یاد کرده است. شهده علاوه بر حدیث و خط، شاخه‌های دیگر دانش آن زمان را نیز از استادانی معروف فرا گرفت. او تألیفاتی در علوم مختلف مانند حدیث، فقه و توحید داشت (فواز عاملی، ۴۲۲). نگاهی به شخصیت‌ها و علمای برجسته سده ششم هجری که محضر شهده را درک کرده‌اند، نشان دهنده جایگاه برجسته این زن عالم است. یکی از تأثیرات علمی و فرهنگی که شهده از خود بر جای گذاشت، رباطی بود که همسرش ثقه الدوله به نام او در بغداد ساخت و اموال قابل توجهی نیز برای آن وقف کرد. آن رباط به نام رباط الکاتبه شهده یا رباط الإبری مشهور بود. صوفیان و مشایخ زیادی در آن رباط زندگی می‌کردند و به

درس و بحث مشغول بودند (ذهبی، تاریخ الاسلام، ۹۲/۴۴، ۲۷/۵۲؛ ابن فوطی، ۳۴/۱؛ غسانی، ۶۳۸/۲؛ ابن الدبیثی، ۵۵۸/۳، ۴۴۲/۵؛ طباطبایی، ۴۷۱). ابن فوطی (۲۷/۱)، ۶۷۶/۵) نیز هنگام ورود به بغداد در سال ۶۸۱ در این رباط سکنا گزیده بود.

خدیجه بنت محمد معروف به شاهجانیه بغدادی (۳۷۶-۴۶۰) از زنان کاتب، محدث و واعظ بغداد بود که از ابن سمعون و ابن شاهین حدیث شنید (ابن جوزی، ۱۰۷/۱۶؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ۱۵۲/۲۷؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۵۰۶/۱۶). برخی از فقها و مورخان مانند ابن خطیب از او حدیث شنیدند و مکتوب کردند (ابن خطیب، ۱۴۹/۱۴؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۲۴/۲۰؛ ابن اثیر، اللباب، ۴۸/۳؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ۳۷۷/۴؛ ابن ماکولا، ۳۲۰/۳). از جمله دانشمندانی که از خدیجه حدیث شنیدند قاضی ابوبکرانصاری و ابوالبدر کرخی بودند (سبکی، ۱۴۹/۱).

برخی از زنان صوفی نیز کاتب بودند و در نشر و گسترش علوم اسلامی مانند حدیث نقش مؤثری داشتند. عائشه بنت محمد علی بغدادی (متوفای ۶۴۱) زنی صالحه و فاضل بود که زنان را موعظه می‌کرد و از شیوخ بزرگ اجازه روایت داشت و در رباط پدرش سکنا داشت و زنان صالح زیادی نزد او جمع بودند. او برای پدرش احادیث را می‌خواند و آنها را با خط خود می‌نوشت (حنبل، ۳۶۶/۷؛ ذهبی، العبر، ۲۴۰/۳؛ همو، تاریخ الاسلام، ۷۷/۴۷-۷۸؛ حسینی، ۶۱).

با توجه به منابع ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که زنان کاتب از جمله فاطمه بنت آقرع و شهده در رشته‌های مختلف علوم جزو دانشمندان بزرگ روزگار خود بودند و در تربیت محدثان، راویان، فقیهان و مورخان سهم به‌سزایی داشتند. برای نمونه محدثان، فقیهان و مورخان مشهور و بزرگی مانند ابن عساکر، ابن جوزی، ابن قدامه و سمعانی از شهده حدیث شنیدند تا جایی که او را مُسِنِدَ العراق نامیدند (حنبل، ۴۱۰/۶؛ ذهبی، دول الاسلام، ۸۱؛ یافعی، ۳۰۳/۳). با مراجعه به کتب تاریخی و حدیثی می‌توان دریافت که نام شهده در سلسه روایات آثار بسیاری آمده است (سخاوی، ۲۷۳؛ سبکی، ۳۰۲/۸؛ ذهبی، العقد الثمین، ۱۹۸؛ ابن حجر، ۷۳، ۸۷، ۱۱۵، ۱۴۱؛ ابن ابی اصیبعه، ۲۱۸/۴). منابع مختلف شهده را به خاطر تقوا و پارسایی، نیکوکاری، آثار

خوشنویسی و دانش گسترده در زمینه حدیث ستایش کرده‌اند (ذهبی، تاریخ الاسلام، ۱۴۶/۴۰-۱۴۷؛ ابن‌مستوفی، ۱۲۱/۲، ۴۳۷؛ ابن‌الدیبی، ۴۴۲/۵؛ زرکلی، ۱۷۸/۳).

### صدر مجوز و نوشتن امالی

اعطای سِمَت علمی اجازه به فراگیران از دیگر نقش‌های فرهنگی زنان کاتب بود. اجازه به معنای اِذْن و رخصت و روا دانستن است که از دیرباز در بین دانشمندان علوم مختلف مرسوم بود. استادان به منظور بزرگداشت از مقام علمی شاگردان و به نشانه شایستگی‌هایی که در آنان وجود داشته برایشان «اجازه» صادر می‌کردند. در حوزه‌های گوناگون علوم اسلامی چون فقه، حدیث و طب تبادل اجازه بین استادان و شاگردان مرسوم بوده‌است. شاگردان نزد مشایخ، احادیث و یا تألیفات خود را می‌خواندند و اجازه روایت و نشر می‌گرفتند. برخی از زنان کاتب نیز جزو مشایخ حدیث بودند و اجازه نقل حدیث را برای شاگردان صادر می‌کردند. چنان که شُهده به افراد زیادی از جمله ابن‌الاسکاف، بهالدین ابواسحاق ابراهیم و محمدبن الفرج (جبه) اجازه روایت داده بود (ابن‌عديم، ۱۹۳۱/۴؛ ابن‌ماکولا، ۳۲۹/۲؛ جنیدی، ۲۰۹/۲). برخی از این راویان بعدها مدرس نظامیه بغداد شدند (ابن‌ماکولا، ۲۵۵/۲). برخی نیز از استاد خود، اجازه خواندن کتاب‌های علما را می‌گرفتند. ابن‌خشب دانشمند مشهور، کتاب *معانی القرآن* زجاج را نزد شهده خواند (ابن‌فضل‌الله عمری، ۱۳۵/۹). شهده به جزء کتاب‌های حدیثی در سایر علوم اسلامی هم تبحر داشت و از کتاب *المعانی* زجاج و *اموال* ابی‌عبید روایت کرده‌است (ذهبی، *المختصر*، ۲۶۳/۳؛ ابن‌الدیبی، ۱۴۲/۵). ست‌الرضا بنت‌نصرالله معروف به کاتبه، جزو راویان نیز بود و ابن‌نجار دیده که برای گروهی در ذی‌الحجه سال ۵۶۷، مجوزی به خط او برای تمام روایاتش نوشته بود (صفدی، ۱۱۸/۱۵؛ کحاله، ۱۵۴/۲).

مستندنویسی و نوشتن امالی یکی دیگر از دستاوردهای فرهنگی زنان کاتب در آن زمان بود. آنان به جهت خط‌زیبایشان، امالی دانشمندان مختلف را برای دیگران می‌نوشتند و چه بسا از این راه امرار معاش می‌کردند. خدیجه شاه‌جانیه از زنان خوشنویس بود که بخش‌هایی از *امالی* ابن‌سمعون را برای مردم می‌نوشت و روایت

می‌کرد. فقیه احمد بن حسن بن البنا، *امالی ابن سمعون* را از او شنید (حنبل، ۲۵۶/۵؛ صفدی، ۲۹۶/۱۳؛ ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ۴۸۳/۳۰؛ ذهبی، *العبر*، ۳۱۱/۲؛ کحاله، ۳۴۳/۱). منابع او را زنی راستگو، زاهد و صالح می‌دانند. او در سال ۴۶۰ در جوار ابن سمعون واعظ به خاک سپرده شد (ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ۴۸۳/۳۰؛ ابن جوزی، ۱۰۷/۱۶؛ ابن تغری، ۸۲/۵؛ خطیب بغدادی، ۴۴۷/۱۴).

### ترویج خوشنویسی

برخی از زنان در هنرخوشنویسی سرآمد بودند به طوری که دست خط آنها در بین خلفا، وزراء و حتی مردم عادی ارزشمند بود. از جمله این افراد فاطمه بنت أقرع بود که در سریع و صحیح نوشتن از بهترین مردمان زمان خود بود (ابن اثیر، *الکامل*، ۱۶۳/۱۰؛ خطیب عمری، ۳۷۲). هیچ کس مثل او خط نسخ را به زیبایی نمی‌نوشت (تتوی، ۲۴۸۵/۴؛ اعتماد السلطنه، ۳۴۲/۱). با توجه به همین خط زیبایش، مأمور نوشتن آتش بس از طرف خلیفه القائم بامرالله به امپراطوری روم شد و نامه او ضرب المثل گشت (ابن جوزی، ۲۷۲/۱۶-۲۷۳؛ ابن فوطی، ۲۴۵/۲؛ زرکلی، ۱۳۰/۵). طبق یافته‌های تاریخی، بعد از نوشتن پیمان‌نامه متارکه جنگ، در تشکیلات اداری خلیفه و میان خوشنویسان و اهل علم و ادب، اعتبار و ارزش زیادی یافت. جالب این که حتی مردم عادی هم او را می‌شناختند و از روی خط او می‌نوشتند و به خاطر زیبایی خطش، او را بسیار دوست داشتند. برخی افراد به داشتن نمونه‌هایی از خط او افتخار می‌کردند. یاقوت حموی در کتاب *معجم الادباء* (۲۱۵۴-۲۱۵۶) نسخه‌ای از خط او را در دو صفحه آورده است. فاطمه بنت أقرع مقام مهمی در هنر و فرهنگ اسلامی دارد؛ زیرا در تاریخ فرهنگ و هنراسلامی نخستین زن خوشنویس ایرانی است که نامش در تاریخ ثبت شده است. در آن دوره زنان دانشمند و خوشنویس پا به پای مردان، برای توسعه علوم اسلامی و انتقال هنر و زیباشناسی به نسل‌های بعد تلاش کرده‌اند و در این زمینه نقش مهمی داشته‌اند؛ زیرا که برخی از مردان و زنان مانند شهده الکاتبه در خوشنویسی از فاطمه بنت أقرع تقلید کرده‌اند. فاطمه حتی از بسیاری از مردان هم‌دوره خود مشهورتر بود و توانست

همه رقبای هنری اش را با خط زیبا و بی نظیرش کنار بزند. از نوشته‌های یاقوت حموی، ذهبی و دیگران می‌توان دریافت که فاطمه در خوشنویسی پیروانی داشته است.

شده به واسطه فضل، دانش گسترده، هنر خوشنویسی و فن خطابه تحسین برانگیزش به لقب فخرالنساء معروف شده بود (حنبل، ۱۰/۱۰). او در خوشنویسی به روش فاطمه بنت اقرع می‌نوشت و در زمان او در بغداد کسی مانند او به زیبایی کتابت نمی‌کرد. شهده نزدیک به صد سال عمر کرد و در اواخر عمر خط زیبایش به دلیل کهولت سن تغییر کرد (ابن خلکان، ۲/۴۷۷؛ یاقوت حموی، معجم‌الادباء، ۳/۱۴۲۳-۱۴۲۲؛ ذهبی، تاریخ‌الاسلام، ۴۰/۱۴۶۷-۱۴۷). او خط را از محمدبن عبدالملک فرا گرفت. شهده تأثیر و نقش زیادی در هنر خوشنویسی و خط داشت. او با توجه به عمر طولانی‌اش شاگردانی تربیت کرد که ادامه دهنده راه او بودند. معروفترین آنها یاقوت بن عبدالله ملکی (موصلی، متوفای ۶۱۸) بود (ظیماء، ۱۴۴) که یگانه عصر خود در خوشنویسی شد و به همین جهت مردم از مناطق مختلف به سوی او روانه شدند. یاقوت برای آنها کتاب‌ها و نسخه‌های بسیاری نوشت. او نیز شاگردان بسیاری در خوشنویسی تربیت کرد. یاقوت کاتب سلطان ملک‌شاه سلجوقی بود و به همین جهت به «ملکی» ملقب بود (ابن خلکان، ۶/۱۱۹؛ ابن تغری، ۵/۲۸۳). یاقوت کاتب، ادیب، زبان‌شناس و خطاطی مشهور بود. در آن زمان، کسی نبود که بتواند با خط نیکو با او رقابت کند. وی خط را به شیوه ابن بواب فرا گرفت. شهده نسخه‌های متعددی از کتاب صحاح جوهری را نوشت که هر نسخه در یک مجلد بود. او هر نسخه را به صد دینار می‌فروخت. یاقوت حموی (معجم‌الادباء، ۶/۲۸۰۵) درباره او می‌نویسد: من او را در سال ۶۱۳ در موصل ملاقات کردم و او را در حالی که خیلی پیر بود، به صورت فردی با وقار، فاضل و هوشیار دیدم. من کتاب‌های زیادی را به خط او دیدم که بین مردم دست به دست می‌چرخید و بهایی گران بر آن می‌نهادند، در میان آنها چندین نسخه از صحیح جواهری و مقام حریری وجود داشت (نیز نک. ابن خلکان، ۶/۱۱۹؛ ابن تغری، ۵/۲۸۳). برخی از نویسندگان معاصر به اشتباه یاقوت مستعصمی را شاگرد شهده می‌دانند، در حالی که با توجه به سال وفات شهده هنوز ایشان به دنیا نیامده بود (روحانی، ۴۷۷).

زنان کاتب دربار خلافت عباسی نیز در ترویج و رونق خوشنویسی نقش داشتند و آن را به درباریان آموزش می‌دادند. چنان که سیده نسیم بغدادی کاتب دربار ناصرالدین الله عباسی بود و به خادم آنجا به نام تاج الدین رشیق خوشنویسی یاد داد تا این که او نیز به خط نیکو ممتاز شد و هر دو، نامه‌ها را برای خلیفه می‌نوشتند (ابن شاکر، ۱۱۵/۲-۱۱۶؛ ابن عبری، ۸۱-۸۲؛ کحاله، ۱۷۱/۲-۱۷۲؛ معروف، ۸-۹). برآمدن زنان خوشنویس و کاتب برجسته‌ای چون فاطمه و شهده نشان دهنده فضای آموزشی و فرهنگی مناسب بغداد در سده‌های ۵ تا ۷ هجری در برابر آموزش زنان است.

### نشر و گسترش شعر و ادب

برخی از زنان کاتب، دیوان شاعران بزرگ را می‌نوشتند و از این جهت به گسترش شعر و ادب کمک می‌کردند. ست الرضا بنت نصرالله بن مسعود بن نجیم معروف به بنت یقطین، الکاتبه و بنت استاد (متولد ۵۴۰) از نویسندگان و خوشنویسان مشهور بغداد بود. او بسیار کتابت می‌کرد و خط نیکویی داشت و به روش ابن بواب می‌نوشت. نسخه‌ای به خط او در دیوان ابن حجاج وجود داشته است (صفدی، ۱۲۸/۱۴). ابن حجاج شاعری شیعی مذهب بود که دیوان او ده جلد داشت و ظاهراً نسخه‌ای از آن در بغداد موجود است. برخی از زنان کاتب، اهل شعر و ادب بودند. صفیه بنت عبدالرحمان (متوفای ۶۲۰) یکی از خطاطان بزرگ و مشهور به کاتبه البغدادی، از زنان فاضل و از واعظان و ادیبان عصر خود به شمار می‌رفت. صفدی (۳۲۸/۱۶) که شعری در بحر طویل به طور خلاصه از او شنیده بود همواره این بیت را از او می‌خواند: «اذا ماخلت أرض من أحبتي / فلا سأل واديهها و لا أخضر عودها» (نیز نک. سیوطی، ۵۷). فاطمه بنت اقرع غیر از حدیث و روایت از علوم دیگر نیز بهره داشت (اعتمادالسلطنه، ۳۴۲/۱). او اطلاع کاملی در شناخت تاریخ داشت و اشعار عربی زیادی را از حفظ داشت (خطیب عمری، ۳۷۲).

### حفظ، کتابت و تذهیب قرآن

اهمیت و تقدس قرآن کریم و به تبع آن کتابت قرآن، زنان کاتب را نیز به استنساخ

و کتابت قرآن، تذهیب و تفسیر در سطح وسیع متمایل کرده بود. زنان هنرمند دوره چهارم، توانمندی‌های خود را در زمینه‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی از جمله هنر کتابت قرآن و تذهیب ثبت و ماندگار کرده بودند. یکی از آنان صالحه خاتون نقشلی بود که در بغداد رشد یافت و قرآن را حفظ و به مبادی علوم عقلی و نقلی احاطه پیدا کرد و نزد علامه عبدالسلام استاد الحضرة القادریه درس آموخت. او خط بسیار زیبایی داشت و اصول آن را نزد خطاط سفیان وهبی بغدادی فرا گرفته بود. قرآنی با خط ثلث و نسخ و به صورت تذهیب و به روش یاقوت مستعصمی نوشت و به الحضرة القادریه وقف کرد (دروبی، ۲۷۰-۲۷۱؛ ظیماء، ۱۴۷).

شرف الاشراف (شریفه) و فاطمه از دیگر کاتبان و حافظان قرآن در قرن هفتم هجری و دختران دانشمند شیعی سید بن طاوس (متوفای ۶۶۴) بودند. شریفه پس از تکمیل مقدمات علوم نزد پدرش به مقام اجتهاد رسید و اجازه روایت یافت. او محدثه، حافظ قرآن و عالم به تفسیر و تأویل بود. پدرش در کتاب الامان کراماتی را از او نقل می‌کند (ابن طاوس، ۱۲۸). فاطمه در منابع به عنوان زنی عالم، فاضل، کاتب، خوشنویس، مؤدب و صاحب خط ملیح معرفی شده است (ابن کثیر، ۱۳۴/۱۲؛ یاقوت حموی، ۲۱۵۵/۵؛ ابن فوطی، ۲۴۵/۲؛ تتوی، ۲۴۸۵/۴؛ اعلمی حائری، ۳۴۲/۲). افندی در کتاب ریاض العلماء (۴۰۸/۵) آن دو را این‌گونه وصف می‌کند: «کانتا ایضاً فاضلتین عالمتین کاتبتین صالحتین». سید بن طاوس نیز آنان را حافظ و کاتب می‌خواند. زیرا شرف الاشراف در دوازده سالگی و فاطمه در کمتر از نه سالگی قرآن را حفظ کرده بودند. بدین جهت او به پاداش موفقیت آنها، کتاب قرآن را بر آنان وقف کرد (ابن طاوس، سعد السعود، ۲۶-۲۷). ابن طاوس (کشف المحجبه، ۱۴۲) قبل از بلوغ، برخی مسائل شرعی را برای آنها توضیح داد. چنان‌که او به پسرش محمد می‌نویسد: بدان‌که خواهرت شرف الاشراف را قبل از بلوغ فرا خواندم و به مقدار توان و آمادگی دستورات دینی را برایشان بیان کردم و به او خاطر نشان کردم که خداوند به واسطه بلوغ، چه شرافت و کرامتی به بنده‌اش می‌دهد تا در خدمتش باشد و این افتخار نصیب تو نیز شده است. این دو خواهر از طرف پدرشان با دو برادرشان محمد و علی اجازه روایت



کتاب *الامالی* شیخ طوسی را یافتند (افندی، ۴۰۸/۵). آنان از زنان دارای اجازه شیعه بودند و نقش زیادی در گسترش علوم اسلامی شیعه به ویژه قرآن، حدیث و فقه داشتند، تا آنجا که شیخ عباس قمی، فاطمه را جزو فواطم عشر می‌داند (قمی، ۹۹۶/۲).

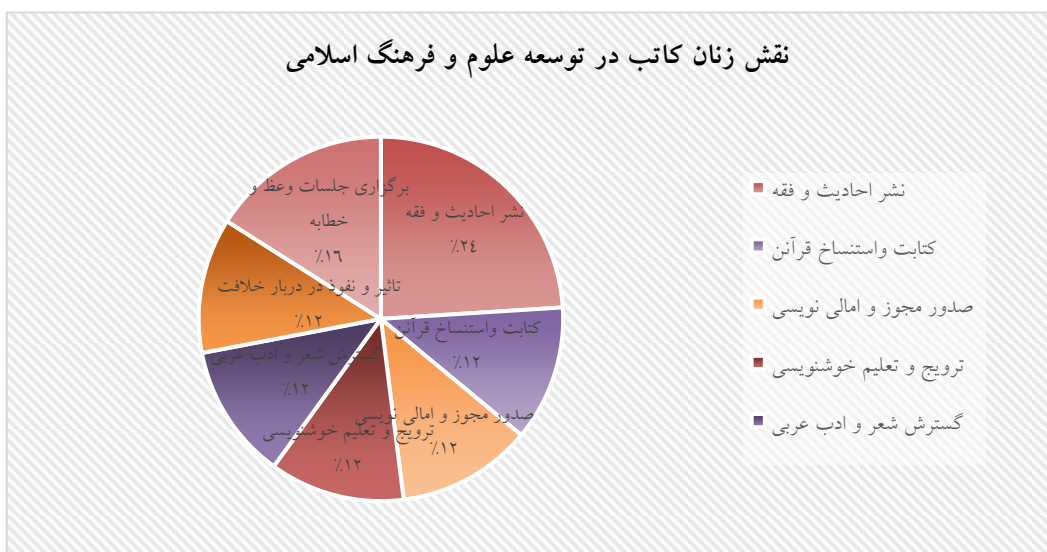
### جایگاه زنان کاتب در دربار خلافت عباسی

زنان کاتب و خوشنویس به دربار خلافت عباسی و نزد وزیران هم راه یافتند و نامه‌ها، جواب‌ها و توقیعات آنها را می‌نوشتند و به گونه‌ای محرم اسرار خلیفه نیز بودند. سیده نسیم بغدادی یکی از زنان خطاط و با نفوذ دربار خلافت ناصرالدین الله عباسی بود. ناصر در آخر حکومتش به ضعف بینایی دچار شد و نمی‌توانست به نامه‌ها، کتاب‌ها و قراردادهای نگاه کند یا اسرار را برای وزیرش بنویسد. به همین جهت سیده نسیم را به قصر دعوت کرد و از او خواست که نامه‌ها و جواب آنها را بنویسد؛ زیرا خطی شبیه به او داشت به گونه‌ای که قابل تشخیص از خط خلیفه نبود. خلیفه این موضوع را از وزیرش مخفی کرد. سیده نسیم به همراه خادم تاج الدین رشیق، نامه‌ها و جواب آنها را مطابق میل خود می‌نوشتند. پزشک محبوب دربار به نام امین الدوله سعد (صاعد) بن توما از این جریان خبر یافت. از این رو سیده نسیم با توجه به نفوذی که داشت به همراه خادم، تصمیم به قتل او گرفتند و او را در سال ۶۲۰ کشتند (ابن شاکر، ۶۷/۱؛ ابن عبری، ۸۱-۸۲؛ کحاله، ۱۷۱/۲-۱۷۲؛ معروف، ۸-۹).

شاهده نیز از دیگر زنان کاتب بود که در دربار عباسی نفوذ داشت. شوهرش ابوالحسن دُرّینی مشهور به ثقه‌الدوله انباری اهل ادب و شعر بود. او از نزدیکان مقتفی خلیفه عباسی و وکیل او محسوب می‌شد و همین پیوند موجب نزدیکی شاهده به دربار خلافت شده بود. از این رو برخی منابع از نفوذ و نزدیکی شاهده نزد خلیفه مقتفی حکایت دارند (یاقوت حموی، *معجم‌الادباء*، ۱۴۲۳/۳؛ سمعانی، ۹۶/۱؛ سیوطی، ۵۴). همین نزدیکی شاهده به دربار موجب شد که همسرش مدرسه‌ای به نام ثقتیه برای شافعیان در بغداد بنا کند (عمادالدین کاتب، ۱۴۴/۱-۱۴۵) و نیز رباطی به بنام رباط ابری برای صوفیان بسازد و اوقاف مناسبی برای آنها بر جای نهد. در این رباط صوفیان

و مشایخ زیادی ساکن بودند و مجالس درس و بحث برپا بود (ذهبی، تاریخ الاسلام، ۱۴۶/۴۰-۱۴۷؛ ابن مستوفی، ۱۲۱/۲، ۴۳۷؛ صفدی، ۱۵۳/۲۲).

فاطمه بنت اقرع با توجه به خط بسیار زیبایش نزد مردم و وزرا محبوب بود و حتی وزرا از او درخواست توقیع<sup>۱</sup> و نوشتن نامه می‌کردند، چنان که او برای وزیر عمیدالدوله ابوسعده، توقیعی نوشت که بعد از مرگ وزیر از خزانه او بیرون آمد (ابن فوطی، ۲۴۵/۲). او حتی به بلاد جبل نزد وزیر عمیدالملک بن کندری مسافرت کرد و نامه‌ای برای او نوشت که از خط زیبا و فصاحت معنی آن تعجب کرد و خوشش آمد و هزار دینار به او داد (حنبلی، ۱۰/۱۰؛ ابن جوزی، ۲۷۲/۱۶-۲۷۳؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۴۸۱/۱۸؛ خطیب عمری، ۳۷۲).



۱. خط توقیع شیوه‌ای از خوشنویسی اسلامی است که در زمان خلافت مأمون، خلیفه عباسی ابداع و در قرن پنجم هجری کامل شد. این خط اغلب در امضا به کار می‌رفته است و به همین دلیل به آن نام توقیع (به معنی امضا) دادند. مورد استفاده این خط، بیشتر در نوشته‌های مهم حکومتی و دینی بوده است.

| اسم                       | شهرت                                | تخصص  | شغل                          | تأثیرات علمی و سیاسی  |
|---------------------------|-------------------------------------|---|------------------------------|---|
| خدیجه بنت محمد            | شاهجانیه بغدادی                     | حدیث، وعظ، نوشتن امالی                            | کاتب، محدث، واعظ             | تربیت محدثان و واعظان، ترویج امالی نویسی  |
| فاطمه بنت حسن             | بنت آقرع                            | خط نسخ، حدیث و روایت، تاریخ، شعر                  | خوشنویس و محدث               | تربیت خطاطان و محدثان مشهور، اولین زن خوشنویس ایرانی، مأمور نوشتن صلحنامه با روم و توقیع و نامه برای وزرا |
| سیده نسیم بغدادی          | ست نسیم                             | خط  | کاتب خلیفه ناصرالدین الله    | نفوذ در دربار و تربیت خطاطان  |
| ست الرضابنت نصرالله       | الکاتبه، بنت یقطین، بنت الاستاذ     | روایت، نوشتن دیوان شاعران                         | کاتب و خوشنویس               | کمک به گسترش شعر و ادب عربی   |
| صفیه بنت عبدالرحمان       | کاتبه البغدادی                      | وعظ، ادب و شعر                                    | خطاط، واعظ و ادیب و شاعر     | برگزاری جلسات وعظ و ادب   |
| شرف الاشرف بنت سیدبن طاوس | شریفه                               | کتابت، حفظ قرآن و تفسیر، دارای اجازه روایت از پدر | محدث، کاتب، حافظ و مفسر قرآن | ترویج علوم شیعی مانند فقه، حدیث و تفسیر   |
| صالحه خاتون               | نقشلی                               | قرآن، احاطه به مبادی علوم عقلی و نقلی             | کاتب قرآن با خط ثلث و نسخ    | استنساخ و تذهیب قرآن  |
| عائشه بنت محمد            | الواعظه                             | روایت و حدیث و وعظ                                | واعظ و کاتب                  | نوشتن احادیث و برگزاری جلسات وعظ برای زنان  |
| شهنده بنت احمد            | فخرالنساء، مُسنده یا مُنشداه العراق | حدیث و روایت، فقه، خوشنویسی                       | خوشنویس و محدث               | تربیت شاگردان بسیار در زمینه حدیث، خطابه و خوشنویسی - ساخت رباط-نفوذ به دربار خلیفه مقتفی                 |

## نتیجه

زنان کاتب در بغداد عصر چهارم عباسی (۴۴۸-۶۵۶) از جایگاه برجسته‌ای برخوردار بوده‌اند. آنها به علوم عقلی و نقلی آن روز تسلط داشتند. برخی از آنها حتی در دربار قدرت و نفوذ فراوان یافتند، به‌گونه‌ای که به مناصب مهمی چون کاتب دربار خلافت نیز برگزیده شدند. حضور آنان در این عصر به اقدامات فرهنگی و علمی مانند امالی نویسی، صدور مجوز، کتابت قرآن و تفسیر، نشر شعر و ادب کمک شایانی کرد. بعضی از زنان کاتب دارای اجازه نقل حدیث و روایت از کتب معتبر شیعه بودند و در ترویج و گسترش علوم اسلامی شیعی مانند حدیث، فقه و تفسیر نقش مهمی داشتند. زنان خود را محدود به خط و کتابت نکردند، بلکه به عنوان محدث، واعظ، ادیب و فقیه نیز مشغول بودند. البته بیشتر محدث و واعظ بودند و مجالس درس و بحث داشتند. آنان شاگردان بزرگی در این زمینه تربیت کردند که تا مدت‌ها ادامه دهنده راه آنها بودند. برخی از آنها در زمینه هنر خوشنویسی بسیار خوش درخشیدند و یگانه دوران خود شدند به گونه‌ای که مردان رقیب خود را نیز از میدان به در کردند. نکته مهم تأثیر و نفوذ این زنان بر دانشمندان مرد در زمینه‌های گوناگون علمی است به طوری که بسیاری از علما و مشاهیر در محضر درس آنان حضور یافته و بهره علمی بردند. برخی از مردان نیز از آنها در زمینه حدیث اجازه نقل گرفتند. بیشتر منابع، این زنان را فاضل، پارسا، راستگو و نیکوکار شمرده‌اند. به همین جهت زنان کاتب در دوره چهارم خلافت عباسی نقش به‌سزایی در توسعه علوم و گسترش فرهنگ و هنر اسلامی داشتند. زنان آن دوره در کارهای عام‌المنفعه برای پیشبرد علوم دینی و کمک به علما نیز نقش داشتند.

## منابع

- ابراهیم آوا، تحفه، «نخستین زن خوشنویس مسلمان ایرانی»، نشریه کیهان فرهنگی، شماره ۱۶۱، اسفند ۱۳۷۸.
- ابن ابی اصیبعه، احمد بن قاسم، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، تحقیق عامرنجار، قاهره، الهیئه المصریه العامه للکتاب، ۲۰۰۱م.
- ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۵ق.
- \_\_\_\_\_، اللباب فی تهذیب الانساب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴/۱۹۹۴.
- ابن تغری بردی، یوسف، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، قاهره، وزاره الثقافه و الارشاد القومي، الموسسه المصریه العامه، ۱۳۹۲ق.
- ابن جوزی، أبو الفرج عبد الرحمن، المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد عبد القادر عطا و مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۲/۱۴۱۲.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، المعجم المفهرس، تحقیق محمد شکور بن محمود میادینی، بیروت، موسسه الرساله، ۱۹۹۸/۱۴۱۸.
- ابن خلکان، احمد بن محمد، وفيات الاعیان، تحقیق احسان عباس، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۶۴ق.
- ابن الدیبی، محمد بن سعید، ذیل تاریخ مدینه السلام، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۴۲۷ق/۲۰۰۶م.
- ابن رجب، عبدالرحمن بن احمد، ذیل طبقات الحنابلہ، تصحیح محمد حامد الفقی، قاهره، مطبعه سنه المحمديه، ۱۳۷۲ق/۱۹۵۲م.
- ابن شاکر کتبی، محمد، فوات الوفيات و الذیل علیها، تحقیق احسان عباس، بیروت، دارصادر، بی تا.
- ابن طاوس، علی بن موسی، الامان من اخطار الاسفار و الازمان، قم، موسسه آل بیت لإحیاء التراث، ۱۴۰۹ق.
- \_\_\_\_\_، سعد السعود، تحقیق محمد کاظم کتبی، قم، دار الذخائر، بی تا.
- \_\_\_\_\_، کشف المحججه لثمره المهججه، تحقیق محمد حسون، مرکز النشر قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۲ق.

- ابن عبری، غریغوریوس بن هارون، مخطوطه تاریخ الأزمنه، توفیق حافظ و شادیه و محمد سباعی، قاهره، المركز القومي للترجمه، ۲۰۰۷ م.
- ابن عديم، عمر بن احمد، بغيه الطلب في تاريخ حلب، تحقيق سهيل زكار، بيروت، دارالفكر، بی تا.
- ابن فرات، محمد بن عبدالرحيم، تاريخ ابن فرات، تحقيق قسطنطين زريق وحسن محمد الشماع، بيروت، مكتبة المويد، ۱۹۷۰ م.
- ابن فضل الله عمري، احمد بن يحيى، مسالك الابصار في ممالك الامصار، تحقيق بسام محمدبارود و ديگران، ابوظبي، المجمع الثقافي، ۱۴۲۳-۱۴۲۴.
- ابن فوطى، كمال الدين ابى الفضل عبدالرزاق، مجمع الاداب في معجم الالقاب، تحقيق محمدالكاظم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ۱۳۷۴/۱۴۱۶ ش.
- ابن كثير، أبو الفداء اسماعيل بن عمر، البدايه و النهايه، تحقيق خليل شحاده، بيروت، دار الفكر، ۱۹۷۸/۱۳۹۸.
- ابن ماکولا، على بن هبه الله، الاكمال في رفع الارتياب عن الموتلف و المختلف، بيروت، دارالاحياء التراث العربى، بی تا.
- ابن مستوفى، مبارك بن احمد، تاريخ إربل، تحقيق سامى بن خماس صقار، بغداد، المكتبة الوطنية، ۱۹۸۰ م.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن على، تاريخ منتظم ناصرى، تصحيح محمد اسماعيل رضوانى، تهران، دنياى كتاب، ۱۳۶۳-۱۳۶۴ ش.
- اعلمى حائرى، محمدحسين، تراجم اعلام النساء، بيروت، موسسه الاعلمى للمطبوعات، ۱۹۸۷/۱۴۰۷.
- افندى، عبدالله بن عيسى بيگ، رياض العلماء و حياض الفضلاء، تحقيق احمد حسيني اشكورى و محمود مرعشى، قم، كتابخانه عمومى آيت الله مرعشى نجفى، ۱۴۰۱ ق.
- تتوى، احمد بن نصرالله، تاريخ الفى (تاريخ هزار ساله اسلام)، تصحيح غلامرضا طباطبايى مجد، تهران، انتشارات علمى و فرهنگى، ۱۳۸۲.
- جندى، محمدسليم، تاريخ معره النعمان، تحقيق عمر رضا كحاله، دمشق، منشورات وزاره الثقافه، ۱۹۹۴ م.

- حسینی، احمد بن محمد، التکمله لوفیات النقلة، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۲۰۰۷/۱۴۲۸.
- حلمی، احمد کمال الدین، دولت سلجوقیان، ترجمه عبدالله طاهری ناصری، قم، انتشارات حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴ ش.
- حنبلی، ابن عماد شهاب الدین، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، تحقیق الأرناؤوط، دمشق - بیروت، دار ابن کثیر، ۱۹۸۶/۱۴۰۶.
- خطیب عمری، یاسین، الروضه الفیحاء فی تواریخ النساء، تحقیق حسام عبدالحکیم، بیروت، موسسه الکتب الثقافه، ۱۴۲۰/۲۰۰۰.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، أو، مدینه السلام، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
- دروبی، ابراهیم، بغداد یوم اخبارهم و مجالسهم، بغداد، طبع فی مطبع الرابطة، ۱۹۵۸/۱۳۷۷.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۹۹۳/۱۴۱۳.
- \_\_\_\_\_، دول الاسلام، تحقیق محمود ارناؤوط و حسن اسماعیل مروه، بیروت، دارصادر، ۱۹۹۹ م.
- \_\_\_\_\_، سیر اعلام النبلاء، تحقیق شعیب الارنؤوط، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۱۴/۱۹۹۴.
- \_\_\_\_\_، العبر فی خبر من غیر، تحقیق ابوہاجر محمد زغلول، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- \_\_\_\_\_، العقد الثمین فی تراجم النحویین، تحقیق یحیی مراد، قاهره، دارالحديث، ۱۴۲۵/۲۰۰۴.
- \_\_\_\_\_، المختصر المحتاج الیه، تحقیق دکتور مصطفی جواد، بغداد، مطبعه المجمع العلمی العراقی، ۱۹۶۳/۱۳۸۳ م.
- روحانی، بابامردوخ، تاریخ مشاهیر کرد، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۶ ش.
- زرکلی، خیر الدین، الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۹ م.



- سبکی، عبد الوهاب بن علی، طبقات الشافعیه الكبرى، تحقیق عبدالفتاح محمد حلو و محمود محمد الطناحی، قاهره، دار الاحیاء الکتب العربیه، بی تا.
- سخاوی، محمد بن عبدالرحمن، البلدانیات، تحقیق حسان بن محمد قطن، ریاض، دارالعطاء، ۱۴۲۲/۲۰۰۲.
- سعید، خیرالله، موسوعه الوراقه و الوراقین، بیروت، موسسه الانتشار العربی، ۲۰۱۱م.
- سمعانی، أبوسعید، الأنساب، تحقیق عبد الرحمن بن یحیی المعلمی، حیدرآباد، مجلس دائرة المعارف العثمانیه، ۱۹۶۲/۱۳۸۲.
- سیوطی، جلال الدین، نزهه الجلساء فی الاشعار النساء، قاهره، مکتبه القرآن، بی تا.
- صفدی، خلیل بن ایبک، الوافی بالوفیات، تحقیق ریتز هلموت، بیروت، دار النشر فرانز شتاينر، ۱۳۸۱-۱۴۰۱ق.
- طباطبایی، عبدالعزیز، معجم اعلام الشیعہ، قم، موسسه آل بیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ق.
- ظیماء، محمدعباس، «نساء خطاطات»، بغداد، الموسسه العامه للآثار و التراث، مجله المورد العراقیه، عدد الخاص بالخط العربی، ۱۹۸۶/۱۴۰۷، رقم ۴، المجلد ۱۵.
- عمادالدین کاتب، محمد بن محمد، خریده القصر و جریده العصر، تحقیق محمد بهجه اثری و جمیل سعید، بغداد، المجمع العلمی العراقی، ۱۳۷۵.
- غسانی، اسماعیل بن عباس، العسجد المسبوك و الجواهر المحکوک فی الطبقات الخلفاء و الملوك، تحقیق شاکر محمود عبدالمنعم، بغداد، دار البیان، ۱۹۷۵/۱۳۹۵.
- غنی، قاسم، تاریخ التصوف فی الاسلام، ترجمه صادق نشأت، بررسی توسط احمد ناجی القیسی و محمد مصطفی حلمی، مکتبه النهضه المصریه، ۱۹۷۰/۱۲۹۰.
- فواز عاملی، زینب بنت علی، معجم اعلام النساء، تحقیق منی محمدزبادخرط، بیروت، موسسه الریان وللطباعه و النشر والتوزیع، ۱۴۲۱/۲۰۰۰.
- قمی، عباس، الفوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریه، تحقیق باقر بیدهندی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۸۵ق.
- کحاله، عمر رضا، اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام، موسسه الرساله، بیروت، بی تا.
- گنجی، فاطمه، «شده بنت ابی نصر»، دانشنامه جهان اسلام، تهران، ناشر بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۹۹ش.

- معروف، ناجی، عالمات بغدادیات، بغداد، دارالجمهوریه، ۱۳۸۷/۱۹۶۷.
- یافعی، عبدالله بن اسعد، مراه الجنان و عبره الیقظان فی معرفه ما یغیر من الحوادث الزمان، تحقیق خلیل منصور، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷/۱۹۹۷.
- یاقوت حموی الرومی، معجم الادباء، تحقیق احسان عباس، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۹۹۳ م.
- \_\_\_\_\_، معجم البلدان، بیروت، دارصادر، ۱۹۹۵-۱۹۹۶ م.